

سفر نامہ سیستان

خاطرات هیأت مکماہون در سیستان

جورج پَسْمَن تیت

عضو انجمن سلطنتی جغرافیای لندن، عضو انجمن آسیایی جغرافیا،
عضو سازمان نقشہ برداری ہندوستان

بامندہ سی از

سرہنگ سر آ۔ نور ہنری مکماہون

دارندہ نشان عالی امپراطوری ہندستان و دارندہ نشان ستارہ ہندوستان

برگردان دکتر حسن احمدی کرویہ

انتشارات ماریار

سرشناسه	تیت، جورج پسمن، ۱۸۵۶-م. Tate, George Passman
عنوان و نام پدیدآور	سفرنامه سیستان : خاطرات هیات مکماهون در سیستان/جورج پسمن تیت ؛ با مقدمه‌ای از آرتور هنری مکماهون ؛ برگردان حسن احمدی کرویچ.
مشخصات نشر	تهران: مازیار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ص.:
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۳-۶۸-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: The frontiers of Baluchistan : travels on the borders of Persia and Afghanistan, 1976
موضوع	سیستان -- سیر و سیاحت
موضوع	تیت، جورج پسمن، ۱۸۵۶-م.
موضوع	هیأت حل اختلاف سیستان، ۱۹۰۳-۱۹۰۵.
موضوع	Sistan Arbitration Mission, 1903-1905
موضوع	Sistan (Iran and Afghanistan) -- Description and travel
موضوع	بلوچستان (پاکستان) -- سیر و سیاحت
موضوع	Balochistan (Pakistan) -- Description and travel
شناسه افزوده	مکماهون، ا.ج.، ۱۸۶۲ - ۱۹۴۹ م.، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	Johnson, A. H.
شناسه افزوده	احمدی، حسن ۱۳۰۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره	DSR ۰۲۹ ت ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۷۴۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۱۶۹۵۷

www.mazyarpub.ir
mazyarpub@yahoo.com

آثار مازیار

مقابل دانشگاه تهران، ساختمان ۱۲۹۶ (ظروفچی) طبقه اول، واحد ۴، تلفن ۶۶۴۶۲۴۲۱

سفرنامه سیستان

(خاطرات هیأت مکماهون در سیستان)

جورج پسمن تیت

ترجمه دکتر حسن احمدی کرویچ

صفحه‌آرایی: مرواک.

چاپ اول ۱۳۹۶

شمارگان ۵۵۰

چاپ واژه

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۳-۶۸-۵

فهرست مندرجات

درباره‌ی ۳ ب ۱۱

پیشگفتار ۱۳

مقدمه ۱۵

فصل اول: قبل از حکمرانی، پتانیا ۱۷

دلایل اولین سفرهای سیاحان و کاشفان اربی به بلوچستان - جاده‌ی تجارتی سیستان - اولین کاشفان: پاتینجر و کریستی - سر حاکم ملک‌گور و کاپیتان لاک‌وود - سر رابرت سندمن - دستور قدیمی - آزادخان رئیس غارتگر - قش میر سابق - راهزنان میوند - بلدهای معروف بیابان - افسانه‌ی بلانوش و ازدها

فصل دوم: اولین تجربیات ۲۷

اولین تجربه‌ها - عبور از لورا و شوراوک - تجمعات نمک در راه - مقایسه با دهانه‌ی ران‌کات - افسانه پیرسلطان - بازدید از خاران - ماژور، یک مرد سیاهان حریف - برده‌ای در صحرا - ایدو ممسنی و سگ‌های شکاری معروف او - در تعقیب غزال‌ها

فصل سوم: در طول مرز افغانستان ۳۵

هیأت سرحدی هند و افغان به سرپرستی ماژور آرتور هنری مکماهون - تجربیات علامت‌گذاری سرحد در صحرا - مالک دوکند - گله‌های گورخر وحشی در سیندک - سفر شبانه به سرشيله - از دست دادن ذخیره‌ی آب - تجربه‌ای از تلاش - سرما و گرما در گذار شاه - صحرایی که از تغییر مجرای هیرمند ایجاد شده - استخرهای آب نمک تشکیل شده در اثر تبخیر مداوم - مقایسه سرشيله و رود لونی در راج پوتانای غربی - کوه ملک‌سیاه - نیرهی سلطان یکی از عجایب طبیعت - چشمه‌ی معروف، استخری در منزل - یک مکان منزوی و نفرت‌انگیز

فصل چهارم: روی جاده‌ی سیستان ۴۹

بازگشت به کویت در سال ۱۹۰۲ - همراهی کلنل مکماهون در دومین مأموریت علامت‌گذاری

سرحد - ترک کویته - منظره‌ی نوشکی از کیشینگی - عبور از اراضی قدیمی - مسیر حرکت کریستی در سال ۱۸۱۰ - وب‌ور پیشرو جاده تجارتی - عبور از صحرا در گروه‌های مجزا - تجربه‌ای از هوای وحشتناک در آربو - جاده‌ی صحرایی که قبور تلف‌شدگان از تشنگی ساخته‌اند - رسیدن به هیرمند - کلنل پولاک و دکتر بیلو - باد سیستان، دم سوزان و ابری از گرد و خاک - اولین تجربه‌ی سفر در چمبره‌ی طوفان - ملخان، قلعه و قبری ویران - عساکر نامنظم پاتینسون در سال ۱۸۴۲م - خواجه‌علی - غزال‌ها

فصل پنجم: حرکت در کنار هیرمند ۶۳

سرزمین بی‌درخت، درختان توت توصیف شده به کانلی - کلبه‌های بلوچی و آغل‌های گوسفندان - اسکورت انسان‌ها در خواجه‌علی - قایق اوزگود و مشک‌های باد روی هیرمند - دره هیرمند - لندی یا کونب - معادن‌های برچیس - یک پارانوای فوق‌العاده از بلندی کنار رودبار - عقبه‌ی یک کشمش - فرماندار - دیواره‌ی غربی فلات مارگو، دشت جهنم

فصل ششم: سرزمین باگشته، برآوازه ۷۵

خصوصیات هیرمند - اردوگاه - رچس - درختان مفید توت - کمبود سوخت - معرفی آخوندزاده به هیأت - قلعه‌ی گلی - کمال خان - عنوان بازار - شهرت رود به عنوان انبار غله - سد رستم و ویرانی آن به دست تیمور - شتر باغ - گذارهای خطرناک - رژیم غذایی گوشتی برای اشتران تیزرو - شترهای تندخو - فرار از خط - شترهای سفید - بندر کمال‌خان - باقیمانده‌ی برج سکوت زردشتیان و شهر رستم - ترفون - سواری خسته‌کننده‌ی شبانه

فصل هفتم: گذرگاه‌های هیرمند ۸۶

قلعه‌ی مینیاتوری مستحکم - سنارود گذرگاه دزدان - نبرد با گم‌دزدان - یک شغل شریف در گذشته - ماشی و یک جنگل مفید گز - قلعه فتح - ارگ مستحکم - هزار - سیصد کیلومتر مربع مملو از ویرانه‌ها - یک منطقه‌ی بکر و کشف نشده توسط اروپاییان - عبور از هیرمند - یک صحنه‌ی تماشایی - شتر هراسناک باعث تأخیر می‌شود - طرز عبور دادرستان از آب‌های عمیق

فصل هشتم: وصول به مقصد ۹۷

یک سرزمین حاصل‌خیز - بند سیستان و تخریب سالانه‌ی آن - زراعت آسان - گرازها - قحطی زده‌ها و حیوانات مرده‌ی ما - درختان بید - نادعلی و باقی‌مانده تمدن باستانی - شاهزاده خانم ویرانی به بار می‌آورد - قلعه‌ی آجری - حمله ترکمنان - نیم‌تنه‌های نظامی انگلیسی مد می‌شود - باغداری عجیب - چخانسور و خاش‌رود - حمام خون - قلعه کنگ - گودال کثافت - معنای کنگ

فصل نهم: آکراس سیستان ۱۱۱

نقشه‌برداری با یک گروه کوچک - ورود به پرشیا (ایران) - تیشه سیستانی - روستای دوست

سرحد - ترک کویته - منظره‌ی نوشکی از کیشینگی - عبور از اراضی قدیمی - مسیر حرکت کریستی در سال ۱۸۱۰ - وبور پیشرو جاده تجارتی - عبور از صحرا در گروه‌های مجزا - تجربه‌ای از هوای وحشتناک در آرو - جاده‌ی صحرایی که قبور تلف‌شدگان از تشنگی ساخته‌اند - رسیدن به هیرمند - کلنل پولاک و دکتر بیلو - باد سیستان، دم سوزان و ابری از گرد و خاک - اولین تجربه‌ی سفر در چمبره‌ی طوفان - ملخان، قلعه و قبری ویران - عساکر نامنظم پاتینسون در سال ۱۸۴۲م - خواجه‌علی - غزال‌ها

فصل پنجم: حرکت در کنار هیرمند ۶۳

سرزمین بی‌درخت، درختان توت توصیف شده به کانلی - کلبه‌های بلوچی و آغل‌های گوسفندان - اسکورت انسان‌ها در خواجه‌علی - قایق اوزگود و مشک‌های باد روی هیرمند - دره هیرمند - لندی یا کرنی - گاه‌های برجیس - یک پارانوهای فوق‌العاده از بلندی کنار رودبار - عقبه‌ی یک کشمش - فرماندار - نانسور - دیواره‌ی غربی فلات مارگو، دشت جهنم

فصل ششم: سرزمین گشته‌ها، آوازه ۷۵

خصوصیات هیرمند - اردیگاه در پل بربرجک - درختان مفید توت - کمبود سوخت - معرفی آخوندزاده به هیأت - قلعه‌ی حله، کمال‌خان به عنوان بازار - شهرت رود به عنوان انبار غله - سد رستم و ویرانی آن به دست تیمور - شترها شتر - گذارهای خطرناک - رژیم غذایی گوشتی برای اشتران تیزرو - شترهای تندخو - فرار از خطر - شترهای سفید - بندر کمال‌خان - باقیمانده‌ی برج سکوت زردشتیان و شهر رستم - ترفون - سواری خسته‌کننده‌ی شبانه

فصل هفتم: گذرگاه‌های هیرمند ۸۶

قلعه‌ی مینیاتوری مستحکم - سنارود گذرگاه دزدان - زور با گدازدها - یک شغل شریف در گذشته - ماشی و یک جنگل مفید گز - قلعه فتح - ارگ مستحکم - هزار و سیصد کیلومتر مربع مملو از ویرانه‌ها - یک منطقه‌ی بکر و کشف نشده توسط اروپاییان - عبور از هیرمند - یک صحنه‌ی تماشایی - شتر هراسناک باعث تأخیر می‌شود - طرز عبور داداشان از آب‌های عمیق

فصل هشتم: وصول به مقصد ۹۷

یک سرزمین حاصل‌خیز - بند سیستان و تخریب سالانه‌ی آن - زراعت آسان - گرازها - قحطی‌زده‌ها و حیوانات مرده‌ی ما - درختان بید - نادعلی و باقی‌مانده تمدن باستانی - شاهزاده خانم ویرانی به بار می‌آورد - قلعه‌ی آجری - حمله ترکمنان - نیم‌تنه‌های نظامی انگلیسی مد می‌شود - باغداری عجیب - چخانسور و خاش‌رود - حمام خون - قلعه کنگ - گودال کثافت - معنای کنگ

فصل نهم: آژراس سیستان ۱۱۱

نقشه‌برداری با یک گروه کوچک - ورود به پرشیا (ایران) - تیشه سیستانی - روستای دوست محمدخان - تغییرات ناشی از هیرمند - یک تپه‌ی بسیار قدیمی - جنگل‌های متراکم بوته‌های

گَز - تخت‌شاه و رسیدن به موقع علوفه - بازدید غیرمنتظره‌ی سر هنری مکماهون - مهمان ناخوانده و داستان عجیب او - دعوت به جلسه - ابراز محبت - شکار گراز - بالا آمدن آب هیرمند - خسارات سیلاب سالانه‌ی هیرمند - ملک جلال‌الدین - آزراس سیستان - یعقوب بیرجندی - فلات زاهدان

فصل دهم: بادهای یکصد و بیست روزه ۱۲۹

تشابه زندگی در سیستان و سکونت در موزه - کار میسیون - باد یکصد و بیست روزه و مشخصات آن - اثرات تخریبی باد یکصد و بیست روزه - سندبلاست طبیعی - ایجاد شیار در فلات‌های پست - تضاد اثرات باد - سرعت و جهت باد - پیش‌آگهی وزش باد - محافظت از باد - رود سیستان - بارش برف - مگس سیستان و حمله به انسان و دام - تلفات حیوانات بارکش و مرکب‌ها - داغ کردن شتران - مأموریت مرگبار - پاداش قهرمانی - مرگ در اثر غرق شدن

فصل یازدهم: علامت‌گذاری سرحد ۱۴۳

مساحت نقشه‌برداری شهر اسلام میسیون (۱۹۰۵-۱۹۰۳م) - دستور نقشه‌برداری نقطه‌ی سه‌گانه‌ی مرزی - استقرار بوگا مظم - ارزش هندوانه در صحرا - منظره‌ای از سنارود - پرندگان در صحرا - مهاجرت مرغ‌ها - فسیل - رود بیابان - کوه‌های پلنگان - مخازن آب و چکاوک‌های صحرائی - تسهیلات جاذبه‌تجارتی - چاه‌های آب - آخرین دور حرکت میسیون در سیستان - دریاچه - پیک‌نیک در خانه - بیماری‌های در اردوگاه - شغال‌های دیوانه - حمله شغال به زن بلوچ - شیخ ویسی - نزارا و تخم‌نی - باد فوق‌العاده - حمله‌ی شبانه گرگ دیوانه به اردوگاه - تلفات سنگین - شیخ ویسی - انستیتیوی پاستور در کسولی - زیارتگاه بی‌بی‌دوست

فصل دوازدهم: آخرین روزهای اقامت در سیستان ۱۵۹

استراحت و تفریح - برقراری تماس با دنیا - یک سرویس پستی منظم - بیس شدن نامه‌ها - زیارتگاه بی‌بی‌دوست - نصرت‌آباد - یک شهر ماندابی - شام مختصر - مهمانی خداحافظی - استاندارد تحصیل در پرشیا - راه‌پله خطرناک - مهمانی قزاق‌ها - اختلاط انگلیسی‌ها و قزاق‌ها - دربار یا مراسم خداحافظی - شروع حرکت به خانه.

فصل سیزدهم: اوضاع اجتماعی ۱۶۹

تقابل میانکنگی و شهرستان - معماری بومی - تهویه استادانه - سگ‌های بومی - باغ - سیستم حکومتی - سازمان‌های قدیمی کشاورزی - چگونه انهار مرمت می‌شوند - شهرها و جمعیت - احداث سالانه‌ی بند سیستان روی هیرمند - تریاک - اشتیاق سکنه به معامله پایاپای - سادات و روحانیون - اعتقادات مذهبی - تعلیم و تربیت - افسانه دختر ملک قطب‌الدین - هنر - فلزکاری - سفالگری - بافندگی - فرش بافی بلوچ‌ها - مقایسه زنان بلوچ با زنان فارسیوان - کدخدای زن - لباس - ازدواج

فصل چهاردهم: رود هیرمند ۱۸۵

نام هیرمند - حوزه آبخیز بزرگ سیستان - سرچشمه‌ی رودخانه - گذار رودخانه در گریشک - عبور مازور تاد با فیل از رودخانه - ریزآبه‌ها - درّه هیرمند - تغییر مجرای محتمل هیرمند - صعود دوره‌ای آب هیرمند - رودخانه‌های منتهی به دریاچه‌ی سیستان - وابستگی وسعت دریاچه به تراز آب هیرمند - اشل طبیعی برای جریان‌ات بالا - سیلاب‌ها و خشکابی‌ها - پیشروی آب به مجرای خشک - زراعت در بستر دریاچه و مراتع و نیزارها - گل و لای و فرو رانش منطقه‌ی سیستان - مجاری قدیمی رودخانه‌ی هیرمند - احتمالات آتی

پیشگفتار

برای عاشقان طبیعت، کویر جذابیت عجیبی دارد و کسانی که یکبار شاهد آن بوده‌اند، دیگر هرگز نمی‌توانند خود را از وسوسه فرار از خیابان‌های شلوغ شهرها و بازگشت به مناطق آرام، ساکن و دست نخورده‌ی کویر و رمز و راز و هم‌انگیز و جادویی آن بربانند.^۱ در کتاب سفرنامه سیستان مؤلف ما را به قلب کویر می‌برد و با چنان مهارت و استادی آن را ترسیم می‌کند که خواننده خود را در همان محال می‌انگارد. گویی همه جملات همانند زندگی واقعی جان گرفته‌اند. توصیفی که جز یک فرزند واقعی صحرا، هیچ‌کس دیگری از عهده‌ی آن بر نمی‌آید.

یک بخش از این کتاب به توصیف صحرای وسیع بین کویت و ایران می‌پردازد، یعنی جایی که از روز ازل بایر و بی‌سبب و گویا تقدیر چنان است که همواره هم باید به همین صورت باقی بماند، اما بخش‌های دیگر به توصیف منطقه‌ی جالب سیستان اختصاص داده شده که در آن دست طبیعی عوامل اسی بی‌آب و خاک را به ودیعه گذاشته و ویرانی و بیابان شدن آن فقط در اثر خرابکاری خود انسان‌ها می‌باشد.

خرابه‌های متعدد سیستان نشان از آثاری و سکنی متمدن آن در گذشته دارند. اما هر دوی این‌ها پیش از این از بین رفته و امروزه این سرزمین به سکونت این بی‌رونی و ویران غمی القا می‌کند که کلام از وصف کامل آن عاجز است.

تیت^۲ توصیف جالب و زنده‌ای از هر دو منطقه‌ی بین ایران و همچنین قسمت کوچک و مسکون سیستان جدید و امروزی به عمل می‌آورد و دید تاریخی جالبی را به خواننده می‌دهد. وی بسیاری از حوادث و ماجراهای جالب تاریخچه‌ی دو میسرن سرحدی افغان و سیستان در سال‌های (۱۸۹۵-۱۸۹۶) و (۱۹۰۳-۱۹۰۵) را بدون کم و کاست و به همان می‌سند، زیرا خود به‌عنوان صاحب‌منصب نقشه‌بردار در آن‌ها شرکت داشت و وجب به وجب مناظر و دید بحث را پیموده بود، او سفرنامه شخص خود را ذکر نکرده بلکه آن‌چه در این کتاب وصف می‌کند، دیدگاه شخصی وی از سرزمین و سکنه می‌باشد که به گویاترین و جذاب‌ترین وجه ممکن بیان شده است.

آ. هنری مکماهون^۳

کویت، ۶ فوریه ۱۹۰۹

۱. دکتر آلفونس گابریل مؤلف کتاب عبور از صحرای ایران نیز در مقدمه‌ی کتابش می‌نویسد: «کویرها جاذبه‌ی خاص خود را دارند. این مناطق بی‌روح که معیارهای انسانی را به تمسخر گرفته‌اند، تأثیر عظیمی بر مشاهدات و تفکرات می‌گذارند. ... کویر کسی را که یکبار گرفتار افسونش شده باشد، رها نمی‌کند و در قلبش شوقی غیرقابل تسکین A.H.McMahon به آنجا ایجاد می‌کند.» مترجم

مقدمه

اگر این گفته صحیح باشد که سرنوشت هر کس از همان ابتدای زندگی وی رقم می‌خورد، باید بگوییم که سرنوشت اینجانب نیز از همان بدو تولد آن چنان رقم خورده که همیشه باید در حال مسافرت باشم، زیرا سفرهای من از سنی آغاز شد که دیگران در آن سن هنوز به عنوان طفل، تحت مراقبت بزرگ‌ها قرار دارند.

هنوز ده سال بیشتر نداشتم که دو ضلع از مثلث بین کلکته و کراچی (قاعده‌ی مثلث) و کلکته و ابوت‌آباد (س مثلث) را پیموده بودم. از مسافرت بین کلکته و ابوت‌آباد هیچ چیز به یاد ندارم، اما از سفر ابوت‌آباد، کوشالگر در کنار ایندوس^۱ (رود سند) خاطرات روشنی در ذهنم مانده است. هر روز یک منزل را از ابوت‌آباد به کوشالگر می‌روانیدیم. سوار بر اسب کوچک طی می‌کردم، در حالی که مادر و یک خواهر بسیار کوچکم به نعلبان و کلاه می‌رفتند. من به نعلبان و کلاه می‌رفتم، اما از آن اتاق‌ها و خدمتکاران و اسب در اتاق دیگر جا گرفتند. یکنواختی و کسالت ناشی از سفر آبی طولانی روی ایندوس، با توقف‌ها و حرکت‌ها در مسیر، تا حدودی از بین می‌رفت. در این محل‌ها دوستان و گاهی غریبه‌ها به دیدن می‌آمدند. گروه کوچک مسافران مهمان‌نوازی می‌کردند. آن روزها در سرحدات هندوستان آشوب به پا بود و سربازان واحدهای مرزبانی همه جا حضور داشتند و در ایستگاه‌های بین راه، صحبت از آن‌ها و حواشی و حوادث بود. بدین ترتیب بود که علاقه به مسائل و اوضاع و احوال و حوادث آن مناطق در سرزمین‌ها در مغز کوچک من ریشه دواند و دیگر هرگز مرا ترک نکرد. هر چه در رودخانه پایین‌تر می‌رفتیم، کوه‌های مرتفع مرزی واقع در غرب واضح‌تر و آشکارتر دیده می‌شدند.

پشت این کوه‌ها، سرزمین مرموزی قرار داشت که هیچ‌کس چیزی از آن نمی‌دانست. یک نفر هندی که گاهگاهی به سیاحت و کشفیات می‌پرداخت و البته خطرات زیادی را هم به جان می‌خرید، اطلاعات جغرافیایی جسته و گریخته و بسیار با ارزشی از آن سرزمین به همراه آورده بود. کاروان تجار افغانی هم بودند که همه ساله در موعد معینی به کشور ما آمده و بعضی حرف‌ها و اخبار از اوضاع آن سرزمین ناشناخته و ناکجاآباد را بیان می‌کردند.

زندگی در حاشیه‌ی سرحدات، در آن روزگار هرگز آرام و ساکت نبود و هر روز حادثه پشت حادثه رخ می‌داد، زیرا منازل مردم جنگ‌طلب و آزاد مرزنشین بعضاً در دسترس عساکر پادگان‌های ما قرار داشت و همیشه حالت جنگ و گریز حاکم بود. در بسیاری مواقع بیرون رفتن از خانه بدون داشتن اسلحه شرط عقل به حساب نمی‌آمد. این وقایع و اوضاع و احوال در مغز کودکانه‌ی من تأثیرات فراوانی گذاشته بود که با دیدن اردوگاه‌های بزرگ پوینده‌های^۲ افغان ضمن سفر خود روی

۱. رود سند پاکستان

۲. تیت از واژه‌ی Povindah استفاده کرده که به احتمال زیاد پوینده (پویش‌کننده، متحرک) یعنی کوچ‌نشین است.

رودخانه ایندوس در محل تلاقی پنج رودخانه‌ی منطقه‌ی پنجاب، تشدید گردید. در این اردوگاه‌ها، زنان و بچه‌هایی که شوهران و پدران آن‌ها برای کار و تجارت به هندوستان رفته بودند، زندگی می‌کردند. ما را از نزدیک شدن به این اردوگاه‌ها منع کرده بودند، زیرا ضعیف‌تر از آن بودیم که در آن مراکز بی‌قانون، خطرات احتمالی را بپذیرا شویم.

آن روزها در جوامع هندی-انگلیسی، ضرب‌المثلی بدین مضمون رایج بود که «اگر یک‌بار به سرحد رفتید، همیشه به سرحد خواهید رفت.» در مورد اینجانب، ضرب‌المثل مزبور، کاملاً مصداق پیدا کرد. سال‌ها از آن سفر خاطره‌انگیز به حدود کوه‌های سرحدی غرب ایندوس گذشت، در حالی که من تعطیلات سال‌های بسیاری را در حول و حوش همان کوه‌های مرزی گذراندم. بعدها که از سرحد گذشتم، ضرب‌المثل موصوف با توان مضاعفی صادق گردیده و مرا کاملاً در چمبره‌ی خود گرفتار نمود. سال‌های بسیاری مرزهای بلوچستان، یا آن‌طور که دوستان خارانی من می‌گفتند، صحرا، را به‌شتر ایام سال منزل‌گاه من بود. اگرچه به دفعات ارتباطم با صحرا قطع می‌شد، اما همواره به صورت اجتناب‌ناپذیری دوباره به‌طرف آن جذب می‌شدم. در نظر اغلب رفقایم، این شیفتگی به صحرا عجیب و غریب‌ال توصیف و توجیه‌ناپذیر بود.

این احساس شیفته‌ی صحرا به‌صورت دقیق قابل توصیف نیست. این احساس گاهی به خاطر احساس آزادی مطاق در این مناطق است و اگر عجیب به نظر نرسد، باید بگویم که گاهی به‌خاطر حس وجود می‌باشد. البته میزان زیادی هم به دلیل پر رمز و راز بودن، بدویت و ناشناخته بودن این مناطق است. تماس با کهنه‌ی منزوی و مشاهده این مناطق، امکان تحقیق ناب در باب آداب و رسوم، افسانه‌ها و ریشه‌های زاده را فراهم می‌سازد. مردمی که با آن‌ها در دل شب، دور آتش، گفتگوهای بی‌پایانی داشتم و مناطقی که تنها و منفرد در میان تپه‌ها در چادر به سر می‌بردم. مشاهده‌ی یک سیاح و کاشف تنها به‌یاد باعث ترس و وحشت این مردم نمی‌شد و رفتار غیرعادی یا ظاهرسازی نمی‌کردند که نتایج طبیعی غلط از آن اخذ کنم. من آن‌ها را در حالت کاملاً طبیعی، بدون هیچ عکس‌العمل مصنوعی مشاهده می‌کردم و این برایم بسیار جالب بود. کتابخانه‌ی یک کاشف باید خیلی محدود باشد و او باید مشاهدات خود تکیه کند، با این کار، قدرت مشاهده سریعاً افزایش می‌یابد، به‌طوری‌که روزی نشسته و مشاهده و تجربه‌ای را روی صفحه‌ی کاغذ نیورم و برای دست مشتاق خود کار نوشتنی ایجاد نکنم.

بالاخره، برای من انجام وظایف کاری هم مطرح بود و اگر این مسئولیت‌های کاری و اداری را نداشتم، نمی‌توانستم فرصت‌ها و امکاناتی را که بسیار ارزنده بودند، شخصاً فراهم آورم. بخش اعظمی از مطالب این کتاب در شرایطی نوشته شده که تنش‌ها و فشار محیط بسیار زیاد بود و بدون داشتن قدرت اجرایی و اختیارات ناشی از انجام وظیفه، قادر به غلبه بر آن‌ها نبودم. در بسیاری از موارد، وظایف حرفه‌ای و علمی را به زیردستان خود واگذار کردم که به‌خوبی از عهده برآمدند، افرادی که طبیعتاً از من بهتر و توان‌تر بودند.

در این کتاب عکس‌هایی ارائه شده که خود برداشت نموده‌ام و برخی دیگر، عکس‌هایی هستند که دیگران گرفته و در اختیار من نهاده‌اند و از این لحاظ از آن‌ها بسیار سپاسگزارم.

جی. پی. تیت

موسوری، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸